

نکته‌ها و پاره‌ها

استادم بهار

محمدامین ریاحی

بزرگداشت بهار، بزرگداشت دانش و آزادگی و رادی و فضیلت و بزرگداشت فرهنگ ملی ایران و شعر ایران است. بهار یکی از هفت تن بزرگ‌ترین شاعران ایران در تمام قرون: فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی و خیام و یکی از بنیان‌گذاران پژوهش‌های علمی در زبان و ادب و فرهنگ ملی ماست. بهار نخستین کسی است که با شناسایی مزار فردوسی در طوس و سرودن چندین قصیده و نشر مقالات متعدد موجبات ساختمان آرامگاه و برگزاری جشن‌های باشکوه هزاره میلاد شاعر بزرگ ملی ایران گردید.

استاد بزرگ از بهار جوانی از آغاز نهضت مشروطیت با سرودن قصاید نغز و استوار و مهیج و نشر مقالات در حمایت از آزادی و بیداری مردم و مبارزه با دشمنان ایران که وطن ما را اشغال کرده بودند، چون آفتاب در آسمان ادب و سیاست ایران درخشیدن گرفت و از همان روزها بزرگ‌ترین شاعر عصر خود شناخته شد و همواره این مقام را حفظ خواهد کرد. بهار در همه عمر مورد کینه و آزار دشمنان خارجی و حکومت‌های ایران و حسودان و رقیبان بود و در برابر آنها چون کوه دماوند استوار ایستاد. درباره زندگی پرافتخار و خدمات سیاسی و

جریده‌نگاری او کتابها و مقالات بسیار نوشته شده و خواهد شد. عرایض من در اینجا منحصرراً درباره شعر و مقام والای علمی اوست.

شاعری بهار مقارن با ایامی شد که با بیداری ایرانیان و آشنایی با ادبیات جهانی، لزوم تحول و تجدد در شعر فارسی مطرح گردید. اما حقیقت این است که شعر بهار در عین حفظ اصول و سنن شعر فارسی، تازه‌ترین شعرهای فارسی را از نظر زبان و موضوع و مضامین در بردارد و تبلیغات و جنجال‌های رسانه‌ای که هرچند گاه بالا می‌گرفته، در واقعیت اثر نداشته است.

روح ملی و فرهنگ ناب ایرانی در همه سروده‌ها و نوشته‌های بهار جلوه‌گر است. شخصیت بارز بهار در برنامه‌ریزی دانشکده‌های ادبیات بر اساس فرهنگ ایرانی و توسعه و تقویت زبان ملی نکته‌ای است که ناگفته نباید گذاشت. نگاهی به پایان‌نامه‌های دانشجویانی که به راهنمایی او و شاگردان نزدیکش تألیف گردیده و مقایسه موضوع و محتویات آنها با رساله‌های سالهای متأخر، ارزش کار او را نشان می‌دهد. متأسفانه بعد از او در برنامه‌ها و تحقیقات مدارس عالی انحراف‌هایی راه یافته که به همین اشاره اکتفا می‌کنم.

آفرینندگی و نوآوری استاد در تحقیقات مربوط به زبان فارسی، در دوره سه جلدی سبک‌شناسی پدیدار است. اگرچه بعد از او متون کهن متعددی شناخته شده و با چاپ‌های انتقادی آنها، مسائل تازه‌ای به میان آمده و تاریخ تحولات زبان فارسی روشن‌تر گردیده و این راه ادامه خواهد یافت؛ با این همه بهار در تاریخ ادبی فارسی مبدع و بنیان‌گذار فن سبک‌شناسی و تاریخ تحولات زبان فارسی شناخته خواهد شد.

تبحر و تسلط بهار بر متون نظم و نثر کهن فارسی، شگفت‌انگیز بود. نقد و تصحیح ترجمه تاریخ طبری، تاریخ سیستان، مجمل‌التواریخ و القصص که از نظر محتوا بر اطلاعات اختصاصی و اهمیت آنها از زبان فارسی لازم‌ترین کار در آن روزها بود، حُسن تشخیص او را نشان می‌دهد.

هر دو کتاب اخیر بر اساس عکس‌های نسخه‌های منحصر به فردی که تا آن روز شناخته شده و دستیاب بوده، چاپ گردید و ناچار در مواردی استاد جز

حدس و گمان و تصحیح قیاسی راهی نداشته است.
اخیراً که نسخه‌ای کهنی از مجمل‌التواریخ به همت استاد ایرج افشار چاپ
عکسی گردیده، صحت حدس و گمان‌های بهار تایید می‌شود.^(۱)

۱. بخارا، شماره ۵۷، آذر و دی ۱۳۸۵، صص ۴۶۸-۴۶۴.